



۱۱

وقتی فردوسی‌پور خبرنگار می‌شود!

۱۰

نگاهی به «بی‌نام» تازه‌ترین آلبوم محسن چاوشی که احتمالا فقط هواداران دو آتشه‌اش می‌توانند آن را دوست داشته باشند

امیر نه‌چندان بی‌گزند



۱۲

حاج‌آقا ناجی آبادان بود

اکران این فیلم جرم است؟

رئیس سازمان سینمایی همچنان اصرار دارد درباره عدم صدور مجوز اکران «دیدن این فیلم جرم است» شفاف سازی نکند



رئیس سازمان سینمایی علی‌رغم ادعای شفافیت درباره حواشی پیش آمده برای برخی فیلم‌ها از جمله «دیدن این فیلم جرم است» اظهارنظر نمی‌کند

علی رستگار
فرهنگ و هنر

درحالی‌که به سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر نزدیک می شویم و اهل سینما و رسانه و تماشاگران پیگیر، خود را مهیای حضور در این رویداد مهم سینمایی می کنند، هنوز تکلیف یکی از بحث انگیزترین فیلم های دوره قبلی جشنواره مشخص نشده است و خبری از اکران عمومی آن نیست؛ این‌که چرا «دیدن این فیلم جرم است» با وجود بیش از یک سال از ساخت و نمایش در جشنواره فیلم فجر، رنگ پرده سینما را در اکران ندیده است و به جز جشنواره فیلم فجر، تنها در جشنواره فیلم شهر به نمایش درآمد. ببینیم، این فیلم چه روندی را از تولید تا امروز طی کرده و چه ملاحظات و عوامل بازدارنده‌ای مجال نمایش به آن را نمی دهند.

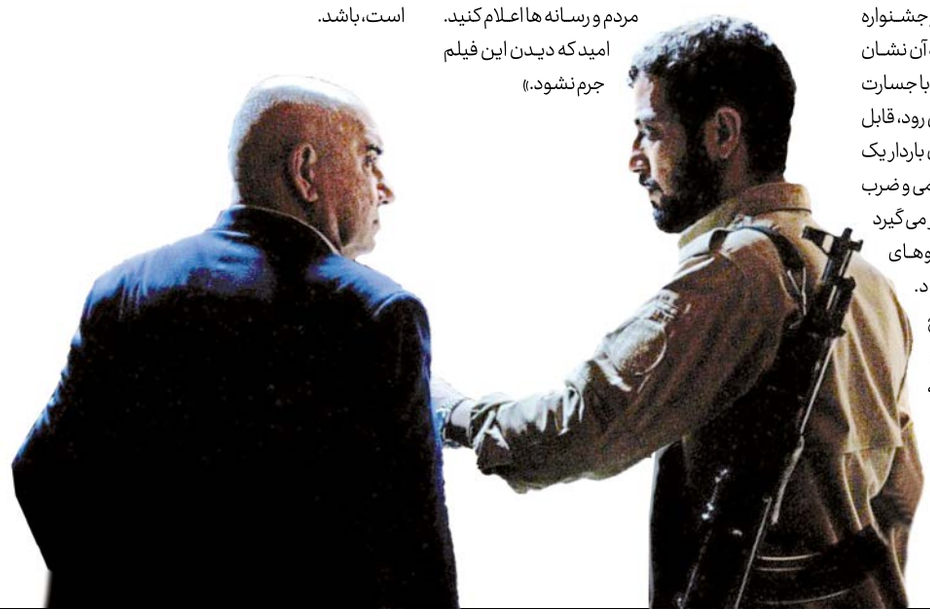
مسیر پرسنگلاخ

رضا زهتابچیان، کارگردان دیدن این فیلم جرم است، در گفت و گویی که سال گذشته و در روزهای برگزاری جشنواره فیلم فجر در جام جم منتشر شد، به سختی‌های تولید و دریافت مجوز فیلم اشاره کرد و گفت: «مجوز ساخت به ما نمی‌دادند. تا رسیدند به این‌که این فیلم آن سوی خط قرمزهاست. من گفتم تغییر نخواهم داد و اگر تغییر بدهم برای اصلاح و بهتر شدن خواهد بود، نه این‌که کسی به من گفته باشد. سال ۹۷ حوزه هنری پای کار آمد. مجوز کار هم به شخص ندادند. مجوز به صورت حقوقی به سازمان سینمایی حوزه هنری داده شد که البته آن هم مشروط بود. در حین تولید هم هیچ جا با ما همکاری نمی‌کردند و ما به‌شدت دست تنها بودیم. شرایط سختی بود.» حتما خود کارگردان و تهیه‌کننده فیلم می دانستند با انتخاب سوژه ای حساس و ملتهب، امکان دست اندازهایی در تولید و پخش برای دیدن این فیلم جرم است، وجود خواهد داشت. با این حال احتمال می دهیم دیگر نه تا این حد که فیلم به سوژه‌ای برای اعمال سلیقه های شخصی و احتمالا تسویه حساب‌ها تبدیل شود و باب هرگونه تعامل و گفت و گو درباره آن را با جلوگیری از اکران ببندند. دیدن این فیلم جرم است در ساختار و روایت واجد چیز جدیدی است و دستاوردی برای سینمای ایران محسوب نمی شود و برخی منتقدان و تماشاگران هنگام نمایش در جشنواره فیلم فجر به لحاظ هنری و فنی، روی خوشی به آن نشان ندادند، اما مضمون و محتوای فیلم و حرفی که با جسارت و صراحت می زند و سراغ سوژه ای ملتهب می رود، قابل چشم پوشی نیست. همسر محجبه و چادری باردار یک فرمانده پایگاه بسیج در خیابان، موردبی احترامی و ضرب و شتم یک فرد دوتابعیتی وابسته به غرب قرار می گیرد و کار به گروگانگیری و درگیری نهاد ها و نیروهای مختلف حکومتی و دولتی کشیده می‌شود. زبان تند و سرخ فیلم و کشمش‌های صریح شخصیت‌ها که هرکدام جریانی را نمایندگی می کنند، شاخصه بارز فیلم است و طبیعتا به مذاق برخی از جریان‌های حاضر در فیلم، خوش نمی آید. ظاهرا یکی از دلایل عدم صدور مجوز نمایش برای فیلم هم ملاحظه و حساسیت بیش از حد افرادی است که نقش قانونی در مسیر پروانه نمایش فیلم ها ندارند.

لبریز شدن کاسه صبر

سازندگان دیدن این فیلم جرم است، آن اوایل و بعد از جشنواره فیلم فجر خیلی سعی کردند نسبت به موانع اکران فیلم نرمی نشان دهند، اما در ادامه متوجه شدند سکوت، چاره کار نیست. اولین و مهم‌ترین واکنش را محمدرضا شفاه، تهیه کننده فیلم انجام داد و با تغییر معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی، دست به قلم شد و نامه ای را خطاب به سیدمهدی طباطبایی‌نژاد نوشت که بخشی از آن از این قرار است: «همان‌طور که مطلعید در دوره پیش از شما با وعده صدور پروانه نمایش فیلم سینمایی «دیدن این فیلم جرم است!» مشروط به انصراف از اکران نوروزی، این فیلم برخلاف میل ما از اکران کنار گذاشته شد. تا امروز (تیرماه ۹۸) همواره تلاش شد تا به دور از حواشی، شرایط برای کسب مجوز در فضایی منطقی فراهم آید. اما علیرغم گذشت چهار ماه از آن وعده و با وجود پیگیری های متعدد، پاسخ روشنی به تقاضای اکران داده نمی شود و مرتب صدور مجوز به اجازه افرادی موکول می گردد که اساسا نقش قانونی ای در مسیر پروانه نمایش فیلم ها ندارند.

معاون پیشین (ابراهیم داروغه زاده) که با آن وعده رفت؛ امروز از شما به عنوان معاون جدید خواستاریم در زمانی که سازمان سینمایی شعار شفافیت سر می دهد، موضع رسمی و شفاف خود را نسبت به اکران این فیلم به مردم و رسانه ها اعلام کنید. امید که دیدن این فیلم جرم نشود.»



اما از تیرماه تا امروز که اوایل دی ماه است، همچنان خبری از صدور مجوز اکران برای این فیلم نیست. در این مدت زهتابچیان، کارگردان فیلم هم با انتشار پست هایی در فضای مجازی و صفحه اینستاگرام، به مشکلات اکران فیلم اشاره کرد. از جمله این: «به آن دسته از صاحبان قدرت که با حملات پنهان و آشکار شخصی، حزبی یا نیابتی و دستورات پشت پرده ای مانع اکران عمومی این فیلم شده اند، تبریک عرض می کنم.»

سکوت آقای شفافیت!

با وجود گلایه های سازندگان دیدن این فیلم جرم است و تقاضا برای صدور مجوز اکران، سکوت رئیس سازمان سینمایی و اتخاذ نکردن تصمیم مناسب در این زمینه عجیب و غیرقابل توجیه است. حتی این گمانه زنی مطرح است که شخص خود حسین انتظامی، مانع اصلی اکران فیلم است. حتی شفاه، تهیه کننده فیلم در گفت و گویی که ماه گذشته با مهر داشت، به صراحت اعلام کرد حسین انتظامی، جلوی اکران دیدن این فیلم جرم است را گرفته است. براساس مستندات و شواهد و قرائن موجود، اعضای شورای پروانه نمایش، نظری مساعد و تلویحی روی فیلم دارند، هر چند هنوز پروانه نمایش فیلم صادر نشده است.

سوال اینجاست چرا رئیس سازمان سینمایی که اصلا کار خود را با شعار شفافیت شروع کرده و همواره روی اطلاع رسانی دقیق تاکید می کند – نمونه اش همین شفافیت درباره خبرنگاران و اهل رسانه و اعلام متقاضیان دریافت کارت جشنواره فیلم فجر است- درباره موضوعات و مسائل مهم تر سکوت اختیار می کند و سراغی از شفافیت نمی گیرد. انتظار می رود انتظامی شأن سینما را رعایت کند و پاسخگوی نامه ها و تقاضاهای مکرر سازندگان دیدن این فیلم جرم است، باشد.

تبعیض معنادار

سوال دیگری که در این زمینه مطرح می شود این است که چرا رئیس سازمان سینمایی، از حق وتو و قدرت مسوولیتش به صورت تبعیض آمیز استفاده می کند. روایت است که اکران عمومی خانه پدری که پس از چند سال توقیف اتفاق افتاد، هم بدون موافقت اعضای شورای پروانه نمایش بوده و آقای رئیس با اختیارات خودش به عنوان رئیس سازمان سینمایی، مجوز اکران این فیلم را امضا کرده است. حالا گفته می‌شود او دقیقا از این اختیارات و مسوولیت علیه فیلم دیدن این فیلم جرم است، استفاده کرده است و برخلاف نظر مساعد شورای پروانه نمایش، این بار اجازه اکران به این فیلم نمی دهد. باز ما عجالتا کاری به این رفتار تبعیض آمیز نسبت به آثار سینمایی متفاوت نداریم و به مسوولیت و اختیارات رئیس سازمان سینمایی هم اذعان می کنیم، اما بحث اینجاست که چرا ایشان در هر دو مورد و موارد دیگری از این دست سکوت اختیار می کند و به شکل شفاف از مواضع خودش در قبال آثار سینمایی توضیح نمی دهد و به التهاب فضای سینما دامن می زند.

تسویه حساب با حوزه هنری؟!

یکی دیگر از گمانه زنی های مطروحه درباره اکران نشدن دیدن این فیلم جرم است، تسویه حساب سازمان سینمایی ارشاد اسلامی با سازمان سینمایی حوزه هنری است. می گویند از آنجا که حوزه هنری، به دلیل ملاحظات اخلاقی و اجتماعی، گاهی از اکران برخی فیلم‌های سینمایی مجوزگرفته از ارشاد سرباز می زند، حالا سازمان سینمایی به نوعی دارد تلافی می کند و دیدن این فیلم جرم است که محصول حوزه هنری است، قربانی این لج و لجبازی شده است.

قربانی شدن هنرمندان

تاوان سکوت و عدم شفافیت سازمان سینمایی را هنرمندان و صاحبان آثار می دهند. کما این که این سکوت انتظامی و رفتارهای نادرست مدیریت سینمایی دوره های مختلف، بیشترین آسیب را به هنرمندی چون کیانوش عیاری زد، حالا بار دیگر هنرمندان جوان قربانی سیاست های اشتباه مدیران سینمایی شده اند و آنها هستند که باید تاوان بدهند. اگر یادتان باشد، در بیانیه‌ای که دادستانی درباره خانه پدری منتشر کرد هم اشاره شده بود که سازمان سینمایی باید در این خصوص پاسخگو باشد. در مورد دیدن این فیلم جرم است هم اهل سینما معتقدند، بهترین و صالح ترین مرجع برای پاسخگویی و رفع ابهام در این زمینه، سازمان سینمایی و شخص آقای حسین انتظامی است، اما سکوت این سازمان و رئیس محترمش تکراری ترین صحنه صامت سینمای ما در این چند وقت اخیر است.

پشت صحنه

اندر فواید دودشُش داشتن

آلودگی و آلودگی و آلودگی... این سه کلمه خلاصه این روزهای ما شده. واقعیتش را بخواهید هر روز که اعلام می‌شود روزهای آینده به دلیل آلودگی تعطیل شده‌اند ما به این فکر فرو می‌رویم که ما خبرنگاران و همه کسانی که تعطیل نشده‌اند لاجرم باید دودشُش داشته باشیم که در این هوای آلوده و کثیف باید بیاییم سر کار و حجم انبوهی از آلودگی را وارد بدن‌مان کنیم و لاجرم در بازدم دوباره به محیط برگردانیم. اصلا این جوری که به قضیه نگاه کنیم اگر دود نباشد ما موجودات دودششی خواهیم مرد.

اصلا اگر هوای تمیزه و پاکیزه توی شش‌های ما برود، گیریپاژ خواهیم کرد و یاتاقان خواهیم زد. اصلا ما زنده به آنیم که دود و آلودگی زنده به آن است. پس لاجرم دنده‌مان نرم، در این روزها آلوده بیاییم و برویم و حسابی از این آلودگی و حجم هوای آلوده که روی تهران، مشهد، اراک، اصفهان، شیراز و تبریز خیمه زده، استفاده کنیم و حالش را ببریم!

و اما بعد... امروز این صفحه را استاد رستگار در اختیار گرفته. جناب رستگار که یواش یواش با نزدیک شدن جشنواره فیلم فجر باید فکر روزهای سنگین و دهان آسفالت‌کن کاری روزهای جشنواره باشد، امروز هم رفته سراغ یکی از سوژه‌های ملتهب سینما که دو سه هفته‌ای است خیلی حاشیه‌ساز شده و مدام در تیتر خبرهاست.

استاد دست گذاشته روی قضیه در محاق توقیف ماندن فیلم «دیدن این فیلم جرم است» و درباره‌اش کمی حرف زده و کمی هم اطلاعات جدیده داده.

حالا بروید گزارش جناب‌شان را کامل بخوانید ولی اجمالا باز هم پای یک حسین انتظامی در میان است. انتظامی روزگاری در همین جام‌جم مدیر مسوول جریده فخیمه ما را بوده است.

تا بحث سینما داغ است این را هم بگوییم که محمدصادق علیزاده هم در صفحه ۱۱ دست به قلم شده و کمی درباره فهرستی حرف زده که دیروز توسط ستاد روابط عمومی جشنواره فیلم فجر منتشر شده. علیزاده سرش درد می‌کند برای این قبیل گزارش‌ها، رفته و حسابی در این فهرست ۲۰۰۰ نفره وول خورده و به نتایج جالب و بامزه‌ای رسیده. حالا جزئیاتش را خودتان بروید در صفحه ۱۱ بخوانید.

زینب مرتضایی‌فرد هم که اصولا در همین صفحه ۹ دست به قلم می‌شود امروز به صفحه ۱۰ مهاجرت کرده و درباره آلبوم جدید آقای خاص موسیقی حرف زده. محسن خان چاوشی که همین یکی دو روز گذشته آلبوم جدید و پرحاشیه‌اش را منتشر کرده احتمالا خبر ندارد مرتضایی‌فرد، سرضرب می‌رود سراغ موضوع و همه قطعاتش را گوش داده و یک صابون مبسوط به تن آلبوم خواهد کشید.

در این هوای آلوده مراقب دودشش‌هایتان باشید.

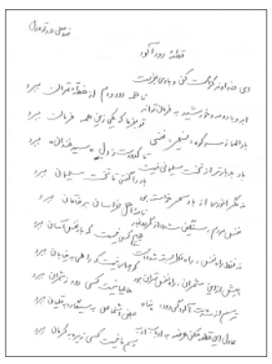
تا بعد!



دکتر غلامعلی حداد عادل
رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

قطعه دودآلود

این روزها که شهرهای بزرگ گرفتار معضل آلودگی هوا هستند، آثار هنری متفاوتی برای این موضوع تولید شده است. دکتر غلامعلی حداد عادل که ریاست فرهنگستان زبان و ادب فارسی را برعهده دارند در حال و هوای این روزها شعری سروده و در اختیار روزنامه جام‌جم قرار داده‌است که با هم می‌خوانیم.



ای خداوند! کرامت کن و بادی بفرست
تا همه دود و دم از خطه تهران ببرد
ابر و باد و مه و خورشید به فرمان تواند
تو بفرما که یکی زین همه فرمان ببرد
بار الها! ز سر کوه، نسیمی، نفسی
تا کدورت زد دلِ «سیدخندان» ببرد
باد بد بارتر از تخت سلیمانی نیست
باد را گفتی تا تخت سلیمان ببرد
نه مگر انوری از باد سحر خواسته بود
نامه اهل خراسان بر خاقان ببرد
نفس مردم، سنگین شده از گرد و غبار
هیچ کس نیست که بار نفس آسان ببرد
نه فقط راه نفس، راه نظر بسته شده است
کوچه‌ای نیست که راهی به خیابان ببرد
پیش از این شمران، راه نفس تهران بود
حالیا نیست کسی دود ز شمران ببرد
ترسم از شدت آلودگی دود، پناه
نبض اشخاص به سیگار و به قلیان ببرد
عادل این قطعه مکن عرضه به ارباب ادب
رسم ما نیست کسی زیره به کرمان ببرد

استقبال ۳۱۰ گروه برای شرکت در جشنواره موسیقی فجر

در سی و پنجمین جشنواره بین المللی موسیقی فجر بیش از ۲۴۰ گروه از طریق فراخوان در جشنواره ثبت نام کردند و بیش از ۷۰ گروه برای بخش مدعو پیشنهاد شد و گروه‌هایی از بین این دو بخش به جشنواره راه می یابند.

بر اساس آیین‌نامه جشنواره موسیقی فجر، هیأت انتخاب گروه‌ها و آثار وظیفه تعیین و تایید نهایی گروه‌های شرکت کننده در جشنواره را برعهده دارد و بر اساس آیین‌نامه بررسی و تایید درخواست‌های هنرمندان و گروه‌های موسیقی سراسر کشور که بر مبنای فراخوان‌های جشنواره به دبیرخانه ارسال شده است و بررسی و تایید گروه‌های مدعو جشنواره را برعهده دارد.